



Woman in Development and Politics

From Spirituality to Rationality, Exploring the Paths of Adaptation and Survival of Marginalized Immigrant Women in Yazd City

Fatemeh Jafari Naeimi¹ | Maliheh Alimondegari² | Ali Ruhani³

1. MA in Demography, Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. E-mail: jafarynaeemi1365@gmail.com

2. Corresponding Author, Associate Professor of Demography, Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. E-mail: m.alimondegari@yazd.ac.ir

3. Associate Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran. E-mail: aliruhani@yazd.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 26 August 2023

Received in revised form: 27 November 2023

Accepted: 19 February 2024

Published online: 5 July 2024

Keywords:

Adaptation and Survival-

Oriented Action

Internal Migration

Marginalization

Women

Yazd City.

ABSTRACT

Survival has been the most important concern of mankind throughout history. Spatial mobility (migration) has been one of the strategies of humans to achieve survival. In the migration process, the first and most important actions of immigrants, especially immigrants with lower economic levels, are survival and adaptation-oriented actions with the destination society. Therefore, the present research has sought to analyze the survival-oriented actions among marginalized immigrant women in Yazd city. The current research method is qualitative and grounded theory approach is used. The participants were 21 women who immigrated to Yazd city from different provinces of the country with a residence period of more than two years, who were selected in a targeted manner using theoretical sampling. The data collection tool was semi-structured interview and data analysis was done by open, central and selective coding method. The findings showed that the generational gap and inappropriate policies in immigration origins by creating extensive changes in the form of linking survival to material things, forces women to act rationally and adopt migration as a practical guide to achieve and maintain survival. This path is often rational, with measurement and calculation and centered on money. But on the other hand, in the process of durability and survival in the destination, women need incentives beyond money. Although the main path is all calculation, spirituality in women increases the adaptability of immigrant women by generating hope and healing mental injuries, and provides a support for their standing and efforts to ensure and facilitate survival.

Cite this article: Jafari Naeimi, F., Alimondegari, M., & Ruhani, A. (2024). From Spirituality to Rationality, Exploring the Paths of Adaptation and Survival of Marginalized Immigrant Women in Yazd City. *Women in Development and Politics*, 22(2), 353-376. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.363821.1008373>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.363821.1008373>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

از معنویت تا عقلانیت، کاوش مسیرهای سازگاری و بقای زنان مهاجر حاشیه‌نشین در شهر یزد

فاطمه جعفری نعیمی^۱ | ملیحه علی‌مندگاری^۲ | علی روحانی^۳۱. کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: jafarynaeemi1365@gmail.com۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: m.alimondegari@yazd.ac.ir۳. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. رایانامه: aliruhani@yazd.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	بقا مهم‌ترین دغدغه بشر در طول تاریخ بوده است. تحرک مکانی (مهاجرت) یکی از راهکارهای انسان برای دستیابی به بقا بوده است. در فرایند مهاجرت، اولین و مهم‌ترین کنش مهاجران، به‌ویژه مهاجران فرودست، کنش‌های بقا و سازگاری محور با جامعه مقصد است. پژوهش حاضر به دنبال واکاوی چگونگی کنش‌های بقا محور در میان زنان مهاجر حاشیه‌نشین شهر یزد است. روش پژوهش کیفی است و در آن، از رویکرد نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان ۲۱ نفر از زنان مهاجر به شهر یزد از استان‌های مختلف کشور با مدت اقامت بیش از دو سال بوده‌اند که به صورت هدفمند و به شیوه نمونه‌گیری نظری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است و تحلیل داده‌ها به شیوه کدگذاری باز، محوری و گزینشی صورت گرفته است. یافته‌ها نشان داد شکاف نسلی و سیاست‌گذاری‌های نامناسب در مبداهای مهاجرتی با ایجاد تغییرات گسترده به صورت پیوند بقا به مادیات، زنان را وادار به کنش عقلانی و اتخاذ مهاجرت به‌عنوان راهبردی عملی برای دستیابی و حفظ بقا می‌کند. این مسیر غالباً عقلانی، همراه با اندازه‌گیری و محاسبه و با محوریت پول است. اما در فرایند دوام و بقا در مقصد، زنان نیازمند مشوق‌هایی فراتر از پول هستند. هرچند مسیر اصلی سرتاسر محاسبه است، معنویت در زنان با کارکرد امیدزایی و التیام‌بخشی به آسیب‌های روانی، سازگاری زنان مهاجر را افزایش می‌دهد و پشوانه‌ای برای ایستادگی و تلاش آنان برای تضمین و تسهیل بقا را فراهم می‌کند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۴	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۰۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۱۵	
کلیدواژه‌ها: حاشیه‌نشین، زنان، شهر یزد، کنش سازگاری و بقا محور، مهاجرت داخلی.	

استناد: جعفری نعیمی، فاطمه، علی‌مندگاری، ملیحه، و روحانی، علی (۱۴۰۳). از معنویت تا عقلانیت، کاوش مسیرهای سازگاری و بقای زنان مهاجر حاشیه‌نشین در شهر

یزد. *زن در توسعه و سیاست*، ۲۳(۲)، ۳۵۳-۳۷۶. DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.363821.1008373>

DOI: <https://doi.org/10.22059/jwdp.2024.363821.1008373>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

تحرک و جابه‌جایی جمعیت نشانگر پویایی و تلاش انسان‌هایی است که در یک مکان جغرافیایی، زمینه تلاش را برای خود محدود می‌دانند؛ بنابراین در قالب روند طبیعی عقلانی، مهاجرت می‌کنند (Akbari et al., 2020: 130). مهاجرت در جهان امروز پدیده‌ای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. می‌توان گفت علت اصلی همه مهاجرت‌ها شکست جوامع در برآوردن نیازها، آرزوها و خواسته‌های شهروندانشان است. تمایل به پیشرفت و دستیابی به زندگی بهتر و ارزشمند، انسان را به جست‌وجوی فرصت‌هایی فراتر از امکانات موجود تشویق می‌کند (Rahshakhor et al., 2011: 100). کاستلز و میلر^۱ با عنوان کردن عصر مهاجرت^۲، زانه‌شدن مهاجرت^۳ را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی این عصر مطرح می‌کنند (Castles & Miller, 2005). اگرچه زانه‌شدن جریان‌های مهاجرت در مناطق خاصی اتفاق افتاده است، آنچه واقعاً در دهه‌های گذشته تغییر کرده این است که زنان بیشتری به‌طور مستقل در جست‌وجوی شغل مهاجرت می‌کنند (Paiewonsky et al., 2009: 4). مهاجرت زنان می‌تواند راهبردی برای فرار از کمبودها و محدودیت‌های تحمیل‌شده ساختاری، خانوادگی، گریز از کنترل اجتماعی و امکان اشتغال در کارهایی باشد که به‌طور اجتماعی در جامعه مبدأ امکان‌پذیر نبوده است (Ortiz, 1996; Parrado, 2005). جنسیت، یکی از جنبه‌های مهم بحث زانه‌شدن مهاجرت است. جنسیت، افراد را به مهاجرت تشویق می‌کند یا از آن باز می‌دارد، بر پیامدها و آثار مهاجرت در مبدأ و مقصد تأثیر می‌گذارد و در شکل‌گیری هویت و ادغام مهاجران مؤثر است (Sadeghi & Valadvand, 2015: 59; Jolly et al., 2015: 1; Fleury, 2016: 1). در این راستا، میزان دستیابی به مزایا و شرایط شغلی و تحصیلی بهتر زنان می‌تواند سازگاری و امکان ادغام زنان در جامعه میزبان را سرعت بخشد (Alaadini & Rahimi, 2022: 31; Nouri et al., 2019: 106). این امر تا جایی مهم است که دستیابی به شغل مناسب، از عوامل پذیرش فرایند فرهنگ‌پذیری در جامعه میزبان بیان می‌شود (Safarian, & Moradi, 2022: 91). تبیین الگوهای مهاجرت زنان در ایران نیز نشان می‌دهد زنان مستقل در کشور با سرمایه انسانی فراوان، از مهاجرت برای توسعه شغلی و فردی و زنان با سرمایه انسانی اندک، از آن به‌عنوان راهبرد بقا بهره می‌گیرند (Mushfiq & Khazaei, 2015: 85-86).

1. Castles & Miller
 2. Migration Period
 3. Feminization of migration

در این راستا پژوهش‌ها نشان از تغییرات در ابعاد کمی به صورت افزایش حضور زنان در فرایند مهاجرت و ابعاد کیفی به صورت افزایش نقش فعال آنان در این جریان دارند (Radowicz, 2021: 39; Sadeghi & Valadvand, 2015: 56). داده‌های بخش جمعیت سازمان ملل (۲۰۱۳) حاکی از افزایش سهم ۴۸ درصدی زنان در مهاجرت‌های بین‌المللی است (United Nations, 2013). همچنین تا سال ۲۰۱۳، زنان بیش از نیمی از کل مهاجران را در ۱۰۱ کشور یا منطقه تشکیل خواهند داد (UNDESA, 2013). براساس تازه‌ترین آمار سازمان ملل، در سال ۲۰۲۰ نسبت زنان مهاجر از جمعیت زنان جهان ۳/۵ درصد و نسبت مردان مهاجر از جمعیت مردان جهان ۳/۷ درصد بوده است (United Nations, 2022). بررسی‌ها در ایران نیز از افزایش حضور زنان در جریان‌های مهاجرتی از جمله مهاجرت‌های بیشتر درون‌استانی زنان در مقایسه با مردان حکایت دارند. در جریان‌های مهاجرتی ایران، سهم زنان از ۴۵ درصد در دوره زمانی ۱۳۶۵-۱۳۷۵ به ۴۸/۶ درصد برای دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵ رسیده است (Mushfiq & Khazaei, 2015: 87). همچنین نتایج سرشماری ۱۳۹۵ نشان داد مناطق مرکزی کشور مهم‌ترین مقصد مهاجران هستند (Askari-Nodoushan et al., 2019: 83). در این راستا، با توجه به آمارهای مهاجرتی و خالص مهاجرت در دوره‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ و ۱۳۹۰-۱۳۹۵، استان یزد جزو چهار استان اول مهاجرپذیر کشور است. همچنین در دوره ۱۳۹۰-۱۳۹۵ بیشترین اثر مثبت را در تغییرات حجم جمعیتی یزد، نسبت مهاجرت داشته است. به علاوه وجود خالص مهاجرت مثبت برای مردان و زنان در دوره ذکر شده در یزد نشان از این دارد که این استان، مقصد مهاجرتی مطلوب و مناسبی برای هر دو جنس است (Mahmoudian & Mahmoudian, 2018: 13-41).

براین اساس می‌توان گفت الگوی مهاجرت در کشور تغییر یافته است و این امر ضرورت مطالعه بیشتر و درک روابط پیچیده بین زنان و مهاجرت را نشان می‌دهد. همچنین پژوهش‌ها کمتر مهاجرت را به گونه‌ای فرایندی به‌ویژه در زمینه زنان با توجه به مسائل مبدأ و مقصد هم‌زمان ارزیابی کرده‌اند. در این راستا با توجه به حضور پررنگ استان یزد در جریان مهاجرتی کشور، به‌ویژه در میان زنان کم‌برخوردار و حاشیه‌ای و اندک‌بودن پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه مهاجرت به استان یزد، این پژوهش فرایند مهاجرت این قشر از زنان را با توجه به دگرگونی‌های مختلف در گستره جامعه مورد مطالعه بررسی می‌کند و به این سؤال پاسخ می‌دهد که چگونه زنان مهاجر حاشیه‌ای و کم‌برخوردار در شهر یزد بقا و دوام می‌یابند.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. چارچوب مفهومی

پژوهش‌های کیفی برخلاف مطالعات کمی که نظریه‌محور هستند، بر درک معنا، کشف، تفسیر و مفهوم‌سازی پدیده از دید مشارکت‌کنندگان در پژوهش استوارند. در این راستا به مرور اجمالی نظریات مرتبط پرداخته می‌شود. اورت اس‌لی^۱ با بسط رویکرد اقتصادی با عنوان «تئوری‌های جاذبه دافعه»^۲ چهار مجموعه عامل را به صورت عوامل مثبت (جاذبه) و منفی (دافعه) مرتبط با مبدأ، عوامل مثبت (جاذبه) و منفی (دافعه) مرتبط با مقصد، عوامل واسط و مداخله‌گر بین مبدأ و مقصد و ویژگی‌های شخصی افراد را در شکل‌گیری این فرایند تعیین‌کننده می‌داند. در نتیجه در رویکرد اقتصادی، تحرکات جمعیتی با نابرابری درآمد، انتظارات شغلی، دافعه‌ها و جاذبه‌های اقتصادی تبیین می‌شود (Everet Lee, 1966). رانیز و فای^۳ (۱۹۶۱) و تودارو^۴ (۱۹۷۶) نظریه اقتصادی نئوکلاسیک^۵ یا نظریه تعادل^۶ را مطرح کردند. در این نظریه، مهاجرت‌های بین‌المللی و داخلی برحسب تفاوت‌های جغرافیایی در عرضه و تقاضای نیروی کار صورت می‌گیرد (Massey et al., 1993). چانت و رادکلیف^۷ در رویکرد ساختاری، تغییرات ساختار اقتصادی-اجتماعی و سیاسی را از تعیین‌کننده‌های مهم مهاجرت زنان به‌شمار می‌آورند (Chant & Radcliffe, 1992: 25). در مدل فرهنگ‌پذیری تعاملی^۸ بوریس^۹ با تأکید بر نقش انتظارات فرهنگ‌پذیری جامعه میزبان و جهت‌گیری‌های فرهنگ‌پذیری اتخاذشده توسط مهاجران، پنج رویکرد یکپارچگی، همانند‌گردی، جداسازی^{۱۰}، حصرگرایی^{۱۱} و فردگرایی^{۱۲} مطرح می‌شود. در رویکرد همانندسازی، جامعه میزبان تمایل دارد که مهاجران فرهنگ خود را به نفع فرهنگ جامعه مقصد کنار بگذارند (Bourhis et al., 1993).

1. Everet.s.lee
2. Push-Pull Theories
3. Ranis and Fei
4. Todaro
5. Neo-Classical Theory
6. The Equilibrium Theory
7. Chant & Radcliffe
8. Interactive Acculturation Model
9. Bourhis
10. Segregation
11. Exclusion
12. Individualism

گیدنز^۱ از دو مرحله اولیه و متأخر در مدرنیته سخن می‌گوید و با بررسی پیامدهای مدرنیته و نقد اندیشه‌های جامعه‌شناسان اولیه (کارل مارکس، امیل دورکیم و ماکس وبر) نتیجه می‌گیرد دین در آستانه نابودی نیست، اما احیای گرایش‌های دینی مدرنیته متأخر به معنای بازگشت به دینداری سنتی هم نخواهد بود؛ دین با تن دادن به گفت‌وگو و بازاندیشی می‌تواند با مدرنیته هم‌زیستی داشته باشد (Giddens, 1999). سورینتون و پاتیسون^۲ معنویت را مرتبط با ساختارهای مهم فرد می‌دانند که به او برای رویارویی با مسائل زندگی کمک می‌کند (Swinton & Pattison, 2001: 24). همچنین هارتز^۳ از ارتباط معنویت با ویژگی‌هایی از روح انسان مانند حس سازگاری سخن می‌گوید (Hartz, 2008: 130). بررسی نظریات نشان می‌دهد انگیزه‌های اقتصادی مهم‌ترین دلیل تصمیم به مهاجرت افراد است که در یک محاسبه هزینه-فایده اتخاذ می‌شود. از سوی دیگر، بهره‌مندی در بعد اقتصادی نیازمند به‌کارگیری راهبردهایی برای ادغام و در نتیجه پذیرش در اجتماع مقصد است. به همین دلیل در تنظیم حساسیت نظری پژوهش، مسیر مهاجرت براساس نوع کنش‌های زنان بررسی و مصاحبه‌نامه و ورود به میدان پژوهش براساس آن تنظیم شد و سؤالاتی درباره انگیزه‌ها و کنش‌های متفاوت مشارکت‌کنندگان در مبدأ و سیر فرایند مهاجرت آن‌ها طراحی شد.

۲-۲. پیشینه تجربی

در زمینه علل، زمینه و پیامدهای مهاجرت در ایران، به‌طور عام پژوهش‌های زیادی به‌خصوص در سال‌های اخیر صورت گرفته است. در این میان، حوزه زنان و مهاجرت در ایران و جهان به‌دلیل نوپایی، در بسیاری از ابعاد نیازمند پژوهش‌های وسیع‌تر و عمیق‌تر است تا بتواند فرایند، چرایی و چگونگی مهاجرت این جنس را تبیین کند. بررسی‌های سادتی و علوی (۱۳۹۷)، اسماعیلی و محمودیان (۱۳۹۶)، اسماعیلی و محمودیان (۱۳۹۵) و مشفق و خزایی (۱۳۹۴) از افزایش مشارکت زنان در جریان مهاجرتی حکایت دارد و این مطالعات، اشتغال را از عوامل مهم در شکل‌گیری این فرایند به‌شمار می‌آورند. پژوهش‌های سیفی (۱۳۹۶) و صادقی و ولدوند (۱۳۹۴) اهمیت انگیزه‌های غیراقتصادی مانند تحصیلات و کسب سرمایه انسانی را برای مهاجرت زنان بیشتر می‌دانند. شهبازین و همکاران (۱۳۹۷؛ ۱۴۰۰)، صادقی و شکریانی (۱۳۹۶) و اسماعیلی و بیگدلی‌راد (۱۳۹۶) نیز مهاجرت داخلی را پیامد شرایط ساختاری و نابرابری‌های منطقه‌ای می‌دانند. یافته‌های زاهدی و سلیمانی (۱۴۰۲) حاشیه‌نشینی و آسیب‌های حاصل از آن را از نتایج مهم مهاجرت معرفی می‌کند.

1. Giddens

2. Swinton & Pattison

3. Hartz

مطالعه زارع مهرجردی و همکاران (۱۴۰۱) عوامل غیراقتصادی تأثیرگذار در مهاجرت زنان را میل به خودساختگی و پیشرفت اقتصادی-اجتماعی، دستیابی به آزادی بیشتر و کاهش فشار خانواده، خویشاوندان و جامعه می‌داند. تحقیقات خواجه‌نوری و شریفی (۱۴۰۱) از افزایش منافع مانند افزایش سرمایه اجتماعی، استقلال و عزت نفس برای زنان در مسیر مهاجرت حکایت دارد. یافته‌های علاء‌الدینی و رحیمی (۱۴۰۱) نشان‌دهنده ادغام بهتر زنان مهاجر افغانستانی با شرایط تحصیلی و شغلی بهتر در ایران است.

بررسی‌های فرزادمنش و بشیر (۱۴۰۱) نشان داد نبود شباهت ظاهری در تقاطع با زبان فارسی و مذهب شیعه سبب طرد، جدایی و حاشیه‌نشینی مهاجران می‌شود. اکبری و همکاران (۱۳۹۹) علت اصلی مهاجرت و همچنین ترس از بازگشت را دافعه‌های مبدأ نظیر بیکاری ذکر کردند. یافته‌های میرحسینی و همکاران (۱۳۹۹) نشان داد حاشیه‌نشینی برای زنان و دختران، چالش‌ها و آسیب‌های فراوانی به دنبال دارد. مطالعه نوری و همکاران (۱۳۹۸) نوع و میزان تغییرات افراد در جامعه مقصد را برحسب جنسیت متفاوت بیان کرد و سازگاری فرهنگی زنان را بیشتر دانست. در پژوهش اسفندیاری و همکاران (۱۳۹۸) از مهاجرت داخلی به عنوان یک راهبرد مهم معیشتی برای گروه‌های فقیر جامعه نام برده می‌شود. یافته‌های افیونی و قاسمی (۱۳۹۸) حکایت از تغییرات ملموس زنان مهاجر برای سازگاری در مقصد دارد و دلزدگی از شرایط اجتماعی-فرهنگی مبدأ را از دافعه‌های مبدأ در سوق دادن زنان به مهاجرت می‌داند.

بررسی‌های تیتنسور و منصور^۱ (۲۰۱۹)، لاتوف و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، فلوری^۳ (۲۰۱۶) و گاوس^۴ (۲۰۱۰) نقش زنان را در جریان‌های مهاجرتی رو به افزایش دانستند و اشتغال را در این امر تأثیرگذار معرفی کردند. گیان^۵ و همکاران (۲۰۲۳) دریافته‌اند انزوای اجتماعی، تفاوت‌های فرهنگی بین جوامع میزبان و محلی، نژادپرستی، خصومت، پرخاشگری و زبان، از موانع ادغام در بین جوانان مهاجر مونترال هستند. مک‌اینرنی^۶ و همکاران (۲۰۲۲) به این نتیجه رسیدند که تاب‌آوری در مقصد تا حد زیادی به ماهیت عوامل مهاجرت (داوطلبانه و اجباری) و توانایی مهاجر برای برنامه‌ریزی و تأمین مالی مهاجرت موفق بستگی دارد. یافته‌های لینکلن^۷ و همکاران (۲۰۲۱) حکایت از تأثیر مستقیم

1. Tittensor & Mansouri

2. Lattof

3. Fleury

4. Gouws

5. Gyan

6. McInerney

7. Lincoln

تبعیض از طریق عوامل فردی و در سطح جامعه (میزان احساس تعلق) در افزایش آسیب‌های روانی برای مهاجران دارد.

بررسی‌های رادویچ^۱ (۲۰۲۱) و آلبرشت^۲ و همکاران (۲۰۲۱) حکایت از شرایط دشوارتر مهاجرت برای زنان دارد. بررسی هانوی^۳ (۲۰۲۱) چشم‌انداز شغلی بهتر با استقلال زیاد را در تصمیم‌گیری به مهاجرت زنان در ویتنام تعیین‌کننده می‌داند. مطالعه شیکف و سپرنقلز^۴ (۲۰۲۱) نشان داد سطح تحصیلات و تجربه کار قبلی زنان مهاجر، نقش مهمی در تمام مراحل ادغام در بازار کار دارد. پژوهش مارتینه و داماسیو^۵ (۲۰۲۱) در کشور برزیل مشخص کرد سازگاری اجتماعی-فرهنگی مهاجران در مقصد، موجب معنابخشی به زندگی آن‌ها می‌شود. مطالعه بلانشت و بیسواس^۶ (۲۰۲۱) مهاجرت را به‌عنوان راهبردی مهم برای رهایی از فقر معرفی کرد. در پژوهش بری و فنگ هو^۷ (۲۰۱۷) مشخص شد مهاجرانی که ترجیح به ادغام در مقصد دارند، رضایت از زندگی و سلامت روان بیشتری از دیگر مهاجران تجربه می‌کنند.

بررسی پژوهش‌های حوزه مهاجرت نشان می‌دهد این فرایند متأثر از دگرگونی‌های جامعه در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی صورت گرفته و دافعه‌های مبدأ نقش پررنگ‌تری نسبت به جاذبه‌ها در سوق دادن افراد به مهاجرت دارند. از سوی دیگر، چگونگی ادغام مهاجران در جامعه مقصد با توجه به فرهنگ جامعه جدید، میزان پذیرش در این جامعه، تمایل مهاجران به فرهنگ و اجتماع جامعه میزبان و امکان تحرک اجتماعی آنان سبب ادغام، جدایی و به‌حاشیه‌راندن شدن آنان می‌شود که پیامدهای متفاوتی برای مهاجران و جامعه میزبان دارد. با توجه به مسائل ذکر شده، پژوهش حاضر با تمرکز بر زندگی زنان در هردو جامعه مبدأ و مقصد، نحوه کنش آنان در مسیر مهاجرت را در یک پیوستار تکاملی واکاوی می‌کند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، از روش‌شناسی کیفی و راهبرد نظریه زمینه‌ای با رهیافت نظام‌مند کوربین و استراوس^۸ (۲۰۰۸) استفاده شده است. در نظریه زمینه‌ای، داده‌ها طی فرایند تحقیق به‌گونه‌ای نظام‌مند

1. Radowicz
2. Albrecht
3. Ha Noi
4. Schieckof & Sprengholz
5. Martinet & Damásio
6. Blanchet & Biswas
7. Berry & Feng Hou
8. Strauss & Corbin

گردآوری و تحلیل می‌شوند. روش نمونه‌گیری نظریه‌زمینه‌ای به‌گونه‌ی تصادفی نیست و باید به روشی انجام شود که بیشترین بازده نظری را داشته باشد؛ بنابراین مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، ابتدا به‌صورت هدفمند و سپس نظری انتخاب شدند. برای یافتن داده‌های مطمئن در جهت شفاف‌سازی دقیق ابعاد پژوهش حاضر، مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. در این راستا در بازه زمانی مرداد تا آبان ۱۴۰۱، با ۲۱ نفر از زنانی که از استان‌های مختلف کشور به یزد مهاجرت کرده و طول مدت اقامتشان در این شهر بیش از دو سال بود، مصاحبه صورت گرفت. مشارکت‌کنندگان زنان مهاجری بودند که از دیگر استان‌های کشور مانند شیراز، سیستان و بلوچستان، کرمان، تهران، اهواز، خوزستان، زنجان و فارس وارد یزد شده‌اند. بازه سنی آنان ۲۴ تا ۵۰ سال است. مشارکت‌کنندگان از نظر تحصیلات بی‌سواد تا کارشناسی ارشد، از نظر وضعیت زناشویی در چهار گروه مجرد، متأهل، بیوه و مطلقه، از نظر مذهب در دو گروه شیعه و سنی، از منظر اشتغال شاغل دارای تنوع شغلی و نیز خانه‌دار و از نظر نوع مهاجرت در دو گروه تبعی و مستقل شامل زنان مجرد و سرپرست خانوار بودند.

ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و شامل محورهایی از قبیل شرایط زندگی در مبدأ، چگونگی تصمیم به مهاجرت، راهبردهای دوام در مقصد، نقش فرزندان در تصمیم به مهاجرت، میزان رضایت از مهاجرت، زمینه‌های بازگشت و واکاوی‌های شخصیتی و روانی بود. در روند اجرای مصاحبه، محقق با چالش‌های زیادی روبه‌رو بوده است، از جمله جلب اعتماد زنان مهاجر به‌خصوص آنانی که به‌صورت مستقل مهاجرت کرده بودند که این امر به‌واسطه شبکه خیران و گروه دوستان یزدی زنان مهاجر میسر شد. مسئله دیگر، زمان‌بندی مناسب مصاحبه به‌واسطه اشتغال و مشغله‌های دیگر مشارکت‌کنندگان از جمله همسر و فرزندان آنان بود. در نتیجه سعی شد مصاحبه‌ها در چند مرحله، در فضایی آرام و به دور از دغدغه ذهنی افراد باشد. از این‌رو بازه زمانی مصاحبه بین یک ساعت و سی دقیقه تا هفت ساعت و سی دقیقه متغیر بود و در برخی موارد، مصاحبه‌های طولانی طی چند جلسه تکمیل شد. در ادامه، داده‌ها به‌صورت کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی به‌صورت نظام‌مند و پیوسته تحلیل شدند. با توجه به ملاحظات اخلاقی، قبل از شروع فرایند مصاحبه، اطلاعات کاملی به مشارکت‌کنندگان از جمله اهداف پژوهش، طریقه انتشار و نتایج آن ارائه شد. همچنین به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده شد اسامی آنان به‌صورت مستعار ذکر می‌شود و اطلاعات شخصی آنان نزد محقق محفوظ است و مکالمات به‌عنوان امانت تا تایپ کامل باقی می‌ماند و سپس پاک می‌شود. در زمینه اعتمادپذیری تحقیق، برای ارزیابی داده‌ها از راهبردهای کنترل توسط اعضا، فعالیت طولانی‌مدت و بررسی همکاران بهره گرفته شد. در زمینه اتکالپذیری پژوهش تلاش شد ضمن

اینکه مصاحبه‌ها به صورت دقیق و جزء به جزء تایپ شود، مصاحبه‌ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن مکتوب شود.

۴. یافته‌های پژوهش

تحلیل داده در فرایندی منسجم به صورت زمان‌بندی شده موجب شکل‌گیری مقوله هسته (پدیده: بقا از معنویت تا عقلانیت) بود. این پدیده شامل ۱۷ مقوله اصلی، ۹۶ مقوله فرعی و ۹۵۳ مفهوم است که به علت محدودیت مقاله، مفاهیم ارائه نشده است.

جدول ۲. مقوله‌های فرعی و اصلی مربوط به مقوله هسته بقا از معنویت تا عقلانیت

مقوله هسته	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
بقا از معنویت تا عقلانیت	دلبستگی به مبدأ	زیست خانوادگی نرمال در مبدأ، مطلوبیت مسکن در مبدأ، بستر آرام زادگاه، توانمندی امکاناتی در زادگاه، وابستگی‌های خانوادگی، حمایت‌های خویشاوندی
	درماندگی در مبدأ	غوطه‌وری در رنج، خشونت‌های خانگی، رنج مسکن نامطلوب در زادگاه، هراس‌های پایدار در مبدأ، ناتوان در تغییر شرایط، خانواده مساوی با رنج
	زندگی نزیسته	ته‌نشست رنج ذهنی زندگی، خلأ عاطفی، حسرت‌های پایدار، سیالیت میان گذشته و حال، زندگی نزیسته، شکنجه‌گاه زندگی مشترک، آینده مبهم، نارضایتی پایدار، به‌دوش کشیدن بار آرزوها، رؤیاهای کوچک دست‌نیافتنی
	ترس از مهاجرت	ترس از مهاجرت
	شکاف نسلی و تنش پایدار	شکاف نسلی، نسل دوم ماندگار، تنش‌های فردی/جمعی اعتقادی
	فردمحوری و خودباختگی	کنش فردی مشکل‌آفرین، خودباختگی در مشکلات، ضعف خودباوری اجتماعی، فردگرایی، ناامیدی مطلق
	تقدیرگرایی	انفعال زاییده معنویت، سرسپردگی مطلق معنوی
	گرداب مبدأ	بستر اجتماعی-فرهنگی آرامش‌زدای مبدأ، فرهنگ بیمار مبدأ، شکاف طبقاتی در مبدأ، فقر همگانی در مبدأ، نارسایی امکانات در مبدأ، بی‌تحركی طبقاتی و ایستایی مالی ابدی
	فشارهای هنجاری-هژمونیک علیه زنان	فشارهای هنجاری-هژمونیک علیه زنان، کابوس بی‌همسری
	خطاهای سیاسی	فقر دولت‌زاده، خطاهای سیاسی، نارسایی‌های حمایت‌های اجتماعی دولتی، زمینه‌های بازگشت، انتخاب بین بد و بدتر
	جایگزینی اهداف در فرزندان	زندگی بر مدار فرزندان، جایگزینی هدفی
	تمایلات همانندگردی	امنیت‌جویی و ادغام در مقصد، همانندگردی، تنیدگی فرهنگ و منطقه

مقوله‌های فرعی	مقوله‌های اصلی	مقوله هسته
عدالت‌خواهی، ایستادگی، پیوندجویی اجتماعی، امیدهای آینده‌ساز، تلاش‌های سازنده، درس از تجربه‌ها، زندگی پيله‌وار، خودباوری، تأثیر سن در درک مشکلات، حمایت‌های عقلانی	ایستادگی و امید آینده‌ساز	فنا از معنویت تا عقلانیت
دگرگونی‌های مطلوب زندگی در مقصد، مسخ مقصد، مطلوبیت سکونت در مقصد، مقصد بدون حاشیه، پذیرش مهاجران در مقصد، امیدهای ماندگاری، مطلوبیت مهاجرت	مسخ در مقصد	
دغدغه سکونت مطلوب در مقصد، واماندگی‌های مقصد، حاشیه‌نشینی در مقصد، فقر فرهنگی-اجتماعی مناطق مهاجرنشین مقصد، آسیب‌های مهاجرت، چرخه تنش‌های خویشاوندی در مقصد	هراس‌های زندگی در مقصد	
بی‌اعتمادی نهادی، نبود اعتماد اجتماعی، اجرای انتخابی قوانین، رعایت جبری قوانین، کاهش حمایت‌های مؤسسات مردم‌نهاد، قانون‌گریزی	بی‌اعتمادی نهادینه‌شده	
زیستن در مرگ، تنیدگی فقر و فلاکت، فقر پایدار، رنج‌های زاده فقر، ناتوانی‌های جسمی	همبستگی فقر و فلاکت	

۴-۱. شرایط علی

بسیاری از عوامل نظیر شرایط مطلوب خانوادگی و زیست اجتماعی و اقتصادی مناسب سبب دل‌بستگی و تعلق خاطر افراد به زادگاه می‌شود. از سوی دیگر درهم‌آمیختگی رنج‌های بی‌شمار خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی گاه چنان استیصالی به همراه دارند که افراد را در تغییر شرایط ناتوان می‌سازند. زنان مشارکت‌کننده از هر دو گروه‌اند که اکثریت زادگاه را به‌مثابه جهنمی دانستند که با هیچ روشی قادر به تغییر شرایط خود در آنجا نبوده‌اند و حتی با بازگشت هم نخواهند بود. سختی، رنج، بیماری، تنهایی، تنش‌های فزاینده و... سبب بازماندگی زنان مشارکت‌کننده از مسیر زندگی مطلوب شده و رنج روحی فراوانی را برای آن‌ها به‌همراه داشته است. این امر گاه چنان فشار روانی‌ای به آن‌ها وارد کرده که این زنان را به‌جای حرکت روبه‌جلو، به بازگشت مداوم به گذشته، مرور حسرت‌ها و رنج از نشدن‌ها واداشته است. زنان مشارکت‌کننده در آمیختگی رنج فراوان در زادگاه را با تنش‌های نگرشی خود با فرزندان به‌صورت عدم قبول زندگی ایستای خانواده سبب تصمیم به مهاجرت دانسته و آن را به‌عنوان یک دگرگونی بزرگ با ترس فراوان از محیط ناآشنا، عدم تحمل شرایط محیطی جدید یا نرسیدن به خواسته‌ها ذکر کردند. زینب (۴۵ ساله، پنجم ابتدایی، با ۱۸ سال اقامت) از فراری بودن خود از خانه و زندگی مشترک به‌خاطر دل‌سردی می‌گوید:

«مثلاً یه وقتی می‌رفتم احمدآباد، آخر شهر مشهد، می‌رفتم سرکار. از سرکار که برمی‌گشتم این قدر این خونه برای من رنج و عذاب داشت که از سرکار که می‌اومدم، مستقیم می‌رفتم تو بیمارستان‌ها به مریض‌ها سر می‌زدم. خونه نمی‌خواستم برم این قدر برام سخت بود...»

۴-۲. شرایط زمینه‌ای

کنش فردی در چگونگی انتخاب‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، میزان تلاش و باور به توانایی از جنبه‌های مهم شخصیتی است که در شکل‌دهی مسیر زندگی افراد تعیین‌کننده است. زنان مشارکت‌کننده از نداشتن خودباوری مناسب و انفعالی گفتند که زاییده معنویت بود؛ به طوری که روند زندگی را اراده صرف خداوند می‌پنداشتند و تمام مسائل و پیشامدهای زندگی را به خواست او نسبت می‌دادند و خود را فاقد اراده در تغییر تلقی می‌کردند؛ بنابراین از نظر آن‌ها تلاش برای بهبود زندگی بی‌اثر بود؛ مگر اینکه خداوند برای آنان چنین مسیری را رقم زده باشد. سارا (۳۲ ساله، کارشناسی، با ۱۰ سال اقامت) می‌گوید:

«اعتقاد دارم به اینکه کاری پیش بیاد می‌گم خواست خدا بوده، خدا خواسته... می‌گم خدا خودش حلش کنه [می‌خندد].»

۴-۳. شرایط مداخله‌گر

چنانچه سیاست‌گذاری‌ها با توجه به شرایط و بسترها اتخاذ نشود، می‌تواند ویرانی یک منطقه و در سطح بالاتر نابودی یک کشور را به دنبال داشته باشد. بسیاری از زنان مشارکت‌کننده فقر اقتصادی زادگاه را حاصل نابرابری توزیع منابع در کشور به صورت نداشتن کوچک‌ترین امکانات شغلی-تحصیلی، عدم استفاده از ظرفیت‌های بومی مناطق در اشتغال‌زایی، خشکسالی و نابودی اشتغال بومی دانستند که سبب اجبار افراد به تأمین معیشت از مسیرهای غیرقانونی یا مهاجرت شده است. از سوی دیگر بی‌ثباتی فزاینده اقتصادی که افراد را در تأمین نیازهای اولیه دچار مشکل کرده، کژکارکردی یا نبود سیاست‌های حمایتی اقتصادی-اجتماعی مناسب به خصوص در مورد زنان، فرهنگ ایستا و سخت‌گیرانه در مورد زنان، ناکارآمدی تحصیلات در دستیابی به درآمد مطلوب، افزایش مداوم شکاف طبقاتی که زاده سیاست‌های نامناسب است، سبب پایداری فقر حتی با وجود مهاجرت شده است. برخی از زنان مهاجر، مهاجرت را انتخابی بین بد و بدتر دانستند و از زمینه‌های اقتصادی مطلوب گفتند که می‌تواند آنان را تشویق به بازگشت به زادگاه کند. حلیمه (۳۷ ساله، پنجم ابتدایی، با ۵ سال اقامت)، دولت را مقصر اصلی در وضع نامناسب منطقه خود می‌داند:

«دولت واقعاً خیلی مقصره. مخصوصاً توی منطقه... یعنی مثلاً هیچ کارخونه‌ای، مدرسه‌ای... مگر اینکه خیری بیاد کمک کنه. ولی دولت اصلاً!»

۴-۴. راهبرد

با وجود تغییرات روزافزون جایگاه خانواده در کشور، فرزندان هنوز از اولویت‌های مهم و انکارناپذیر زنان ایرانی محسوب می‌شوند. زنان مشارکت‌کننده از قرارداد زندگی خود بر مدار فرزندان در مقاطع مختلف نظیر اقدام به مهاجرت، تحمل زندگی در مقصد و تصمیم به ماندگاری گفتند. آنان از راهبردهای مختلف خود در سازگاری در مقصد و تلاش برای پیشرفت نظیر قرارداد اولویت تلاش برای بهبود آینده فرزندان (فراهم کردن تحصیل و اشتغال مناسب)، تلاش، ایستادگی، خودباوری و پذیرش خواسته و گاه ناخواسته سبک زندگی مقصد و همانندسازی گفتاری، رفتاری و پوششی خود با مردم بومی گفتند. زیبا (۴۲ ساله، ششم نهمت، با ۱۲ سال اقامت) می‌گوید:

«من هیچ وقت نمی‌ذارم اون چیزی که به خودم گذشته برای دخترم تکرار بشه... تا زمانی که بخواد درس بخونه، حتی اگر خودم سختی بکشم، دوست ندارم راهی که من رفتم اون [فرزند] برن.»

۴-۵. پیامدها

گاهی دگرگونی‌های زندگی و تجربه زیستن در مقصد برای مهاجران چنان متفاوت، مطلوب و دور از انتظار است که شیفته شهر جدید می‌شوند. زنان مشارکت‌کننده از تحولات مثبت نگرشی در ابعاد خانوادگی و امکان انتخاب سبک زندگی دلخواه و افزایش آرامش زندگی در مقصد گفتند. آنان این مطلوبیت را تا آنجا می‌دانستند که اصرار به ماندگاری به هر طریق داشته‌اند. از سوی دیگر برای برخی زنان مشارکت‌کننده، زندگی در مقصد چنان دشوار بوده که آنان را دچار درماندگی کرده است. در این مرحله به دلایل متعدد، آنان نه موفق به دستیابی به موقعیت مناسبی در شهر جدید شده‌اند، نه توان بازگشت به زادگاه را دارند. پایداری شرایط سخت زندگی زنان مشارکت‌کننده با وجود مهاجرت سبب تنش‌های روحی و روانی نظیر افسردگی، امید به زندگی صفر و نشستن در انتظار مرگ، فکر و اقدام به خودکشی و... بوده است. محبوبه (۴۰ ساله، دیپلم، با ۲۰ سال اقامت) از هراس پایدار ناشی از فقر می‌گوید:

«بالاخره می‌دونید... خونه نداریم. پدرشوهرم فوت کرده. وضع مالی آن چنانی نداریم. دیگه با خودمون... از همین خیلی می‌ترسم. می‌ترسم خدای نکرده اقام شغلشو از دست بده...»

۴-۶. پدیده: بقا از معنویت تا عقلانیت

تضمین و تسهیل بقا به‌عنوان مهم‌ترین دغدغه بشر، او را در طول تاریخ وادار به جست‌وجوی آن از طرق مختلف کرده است. زنان مشارکت‌کننده از روش‌های مختلف خود برای دستیابی به بقا و حفظ آن گفتند. از نظر آنان در دنیای امروز برای رسیدن به خواسته‌ها باید انتخاب‌هایی عاقلانه داشت. در این راستا زنان مهاجر، مهاجرت را انتخابی ارادی، عقلانی و تنها مسیری دانستند که می‌توانست آنان را از دشواری‌های اقتصادی و اجتماعی زادگاه نجات دهد و زندگی خود و فرزندانشان را بهبود بخشد. البته شرایط سخت زندگی نظیر فقر، سختی و تنهایی زندگی در محیط جدید و گاه مشکلات فزاینده به دلیل نبود سرپرست، چنان فشار روحی‌ای به زنان مهاجر تحمیل کرده است که آنان با یاری‌گرفتن از اعتقادات خود سعی در التیام بخشی و ایجاد امید برای ادامه مسیر زندگی داشته‌اند. معنویت در زندگی این زنان بسیار پررنگ است؛ چنان‌که گاهی مهاجرت را هرچند ارادی، اما خواست خدا و تقدیر می‌دانند. مریم (۲۸ ساله، سیکل، با ۲ سال اقامت) درباره انتخاب عقلانی خود می‌گوید:

«ولی سرنوشت دست خودمونه. حالا تقدیر چیزیه که خدا واسه مون رقم می‌زنه. ولی سرنوشت اگه من هنوز توسری‌خور بودم اونجا، خب هنوز همون زندگی رو داشتم. خودم خواستم یا شدم انجام دادم / مهاجرت/»

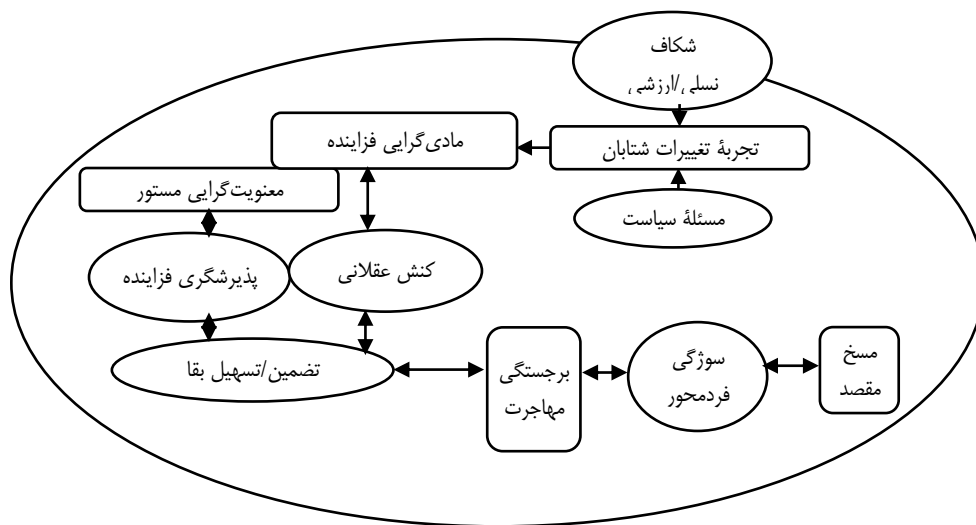
۵. بحث

در پژوهش حاضر، به واکاوی فرایند مهاجرت ۲۱ زن مهاجر ساکن شهر یزد و بیان تجربه آنان از تغییر راهبرد دستیابی به بقا از معنویت تا عقلانیت مطابق با طرحواره شکل ۱ پرداخته شد. دستیابی به بقا و تضمین و تسهیل آن، از مهم‌ترین نیازهای اولیه بوده که انسان‌ها با راهبردهای مختلف، سعی در یافتن آن داشته‌اند. این مسئله همان‌طور که از برآیند مدل نیز مشخص است، برای مهاجران به‌ویژه زنان مهاجر همچنان پررنگ است. چانت و رادکلیف (۱۹۹۲) تغییرات ساختار اقتصادی-اجتماعی و سیاسی از تعیین‌کننده‌های مهم مهاجرت زنان می‌دانند؛ چنان‌که در برخی بسترهای کشور، شکل‌گیری شکاف نسلی و تأثیر سیاست‌گذاری‌های نامناسب، تغییرات گسترده و سریعی رخ داده و دستیابی و حفظ بقا را دچار چالش و تهدید کرده است. در برخی جوامع به دلیل حاکمیت سنت، زنان در طول دوره‌های مختلف، تقلیدوار زندگی تحمیلی نظیر نداشتن جایگاه اجتماعی و دشواری‌هایی مانند فقر و تنش‌های مختلف خانوادگی-اجتماعی و... را پذیرفته‌اند. اما در دهه‌های اخیر در برخی مناطق کشور، با شرایط نامناسب ساختاری و خانوادگی، تجربه فاصله نسلی چه دختران با خانواده و چه زنان در سنین بالاتر در نقش مادری با فرزندان سبب شده تعریف بقا دچار دگرگونی

شود. نسل جدید با زیرسؤال بردن نوع زندگی خانواده، عدم درک آن‌ها در پذیرش شرایط سخت زندگی نظیر فقر مستمر و اصرارشان به ماندگاری در زادگاه با وجود اطمینان از ایستایی، چالش‌های وسیع نگرشی را رقم زده‌اند؛ چنان‌که بررسی‌های مشفق و خزایی (۱۳۹۴) نیز با استفاده از داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۰، شکاف نسلی را به‌خوبی نشان داده و از مهاجرت بیش از ۵۰ درصد زنان در سنین جوانی و در فاصله ۲۰-۳۴ سالگی خبر می‌دهد. از سوی دیگر، سیاست‌گذاری‌ها با توسعه ناموزون و افزایش دافعه و جاذبه مناطق در زمینه اقتصادی نظیر شغلی-درآمدی و در نتیجه کیفیت زندگی، دگرگونی‌هایی نظیر افزایش فقر در برخی مناطق و توسعه فزاینده در برخی دیگر را سبب شده‌اند. پژوهش‌های صادقی (۱۴۰۱)، شهبازین و همکاران (۱۳۹۷؛ ۱۴۰۰)، صادقی و شکرانی (۱۳۹۶) و اسماعیلی و بیگدلی‌راد (۱۳۹۶) نیز مهاجرت داخلی را پیامد شرایط ساختاری و نابرابری‌های منطقه‌ای می‌دانند.

این روند از یک سو سبب تشدید حس محرومیت شده و از سوی دیگر بسترهای مبدأ را در پاسخگویی به حداقل‌های مادی زندگی ناتوان ساخته است. دختران و زنان در چنین بسترهایی از یک سو با انتقال فقر خانواده به خود و از سوی دیگر با فقدان امکانات تحصیلی و شغلی برای برون‌رفت از این فقر روبه‌رو هستند. این روند با فشارهای فزاینده هنجاری درمورد زنان تشدید می‌شود. در این راستا، استیصال زنان در برابر شرایط سخت زادگاه به‌صورت ماندن در تأمین حداقل‌های زندگی خود و فرزندان نظیر خوراک و پوشاک، مسکن و... به‌ویژه اگر آنان سرپرست نداشته باشند، سبب رانده‌شدن آنان به حاشیه‌ها شده که چالش‌های فراوانی را برای این زنان و فرزندان‌شان از نظر رفتاری، هنجاری، امنیتی و... به دنبال دارد. در این روند زنان به‌دلیل ناتوانی از تغییر شرایط زندگی، به‌خطر افتادن زیست مادی و فشارهای فرهنگی-اجتماعی برای برون‌رفت از شرایطی که بقا را تهدید می‌کند، وادار به بازاندیشی در روش زندگی می‌شوند. آنان در این مسیر با تقبیح الگوی زندگی خانواده خود به‌ویژه مادران، پا را فراتر از پذیرش تقدیر می‌گذارند و با منطق پیچیده و عمیق انسانی خود تلاش می‌کنند با اتخاذ روش‌های عینی‌تر و مؤثرتر، نه تنها خود را از فقر مستمر خانوادگی در زادگاه نجات دهند، بلکه با اتکا به توسعه فردی در زمینه تحصیل و اشتغال بتوانند مطلوبیت زندگی خود و درنهایت فرزندان‌شان را به حداکثر برسانند (Mushfiq & Khazaei, 2015). اورت اس‌لی (۱۹۶۶)، رانیز و فای (۱۹۶۱) و تودارو (۱۹۷۶) با مطرح کردن مهاجران به‌عنوان کنشگران عقلانی، تفاوت دستمزدها و محاسبه هزینه-فایده براساس مشکلات اقتصادی مبدأ و فرصت‌های بالقوه اشتغالی مقصد را از عوامل ترغیب به مهاجرت می‌دانند؛ بنابراین در بسترهایی که نه خود آن‌ها توانایی پاسخگویی به شرایط مادی زندگی را دارند و نه سیاست‌ها کمکی به بهبود

اقتصادی و اجتماعی آن می‌کنند، تنها روش عقلانی، تحرک مکانی و جست‌وجوی مطلوبیت زندگی و تضمین و تسهیل بقا در منطقه دیگر با شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهتر است. یافته‌های زارع مهرجردی و همکاران (۱۴۰۱)، سیفی (۱۳۹۶)، صادقی و ولدوند (۱۳۹۴)، پایونسکی (۲۰۰۹)، جولی و همکاران (۲۰۰۵) نیز تحصیلات و کسب سرمایه انسانی را از انگیزه‌های تشویق‌کننده زنان به مهاجرت نشان می‌دهد.



شکل ۱. طرحواره نظری پژوهش

دختران و زنان در این مسیر با وجود دل‌بستگی و تعلق فراوان به خانواده و زادگاه و ترس از مهاجرت که در مورد آنان به دلیل نوع نگاه به زنان و دختران با هراس بیشتری همراه است، به مهاجرت اقدام می‌کنند. این روند با سخت‌تر شدن شرایط زندگی در زادگاه به دلیل مشکلات زیستی و فقیرتر شدن این بسترها با از بین رفتن اشتغال محلی در اثر ادامه یافتن سیاست‌های نامناسب، سبب افزایش تنگنای اقتصادی، حس محرومیت، ناامیدی از دولت برای بهبود شرایط و در نتیجه برجسته شدن مهاجرت این گروه به صورت پافشاری به خانواده و سوق دادن آنان به تحرک یا افزایش مهاجرت مستقل می‌شود (Mahmoudian & Mahmoudian, 2018). در نتیجه می‌توان گفت در یک کنش دوسویه، قرار گرفتن دنیای واقعی مبتنی بر مادیات از یک‌سو، راهبردهایی را براساس عقلانیت و محاسبه می‌طلبند و از سوی دیگر زندگی واقعی، انسان‌ها را برای تضمین و تسهیل بقا به کنش عقلانی وامی‌دارد. مطالعات سادتی و علوی (۱۳۹۷)، اسماعیلی و محمودیان (۱۳۹۶)، تیتنسور و

منصوری (۲۰۱۹)، لاتوف و همکاران (۲۰۱۸)، گاووس (۲۰۱۰) و پایونسکی (۲۰۰۹) در مطرح کردن اشتغال به‌عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری مهاجرت زنان با پژوهش حاضر همسو است. همچنین یافته‌های رادویچ (۲۰۲۱) و آلبرشت و همکاران (۲۰۲۱) حکایت از شرایط دشوارتر مهاجرت برای زنان دارد.

در این مسیر، زنان با ورود به منطقه جدید و مشاهده تحولات فزاینده مطلوب زندگی خود در ابعاد مختلف شیفته مقصد می‌شوند. در این فرایند، افزایش کیفیت زندگی زنان و فرزندانشان در زمینه‌های مختلف مادی و آرامش حاصل از آن و همچنین حمایت از فرزندان به‌دلیل عدم تمایل آنان به بازگشت، سبب اصرار زنان به ماندگاری حتی به قیمت ازهم‌پاشیدگی زندگی مشترک می‌شود. تحقیقات خواجه‌نوری و شریفی (۱۴۰۱)، هانوی (۲۰۲۱) و جولی و همکاران (۲۰۰۵) نیز حاکی از افزایش منافع مانند افزایش سرمایه اجتماعی، استقلال، عزت‌نفس و چشم‌انداز شغلی بهتر برای زنان در مسیر مهاجرت است. بررسی‌های علاء‌الدینی و رحیمی (۱۴۰۱) و شیکف و سپرنقلز (۲۰۲۱) نیز از ادغام بهتر زنان مهاجران با شرایط تحصیلی و شغلی بهتر خبر می‌دهد.

از سوی دیگر برخی از زنان با وجود مهاجرت نمی‌توانند به مطلوبیت مادی مورد نظر خود دست یابند. همبستگی فقر و فلاکت در این زنان از مبدأ شروع می‌شود و به‌دلیل نداشتن مهارت مناسب مرتبط با اشتغال در شهر جدید، باورهای فرهنگی وام‌گرفته از مبدأ نظیر ناتوانی زن و بی‌ثباتی فزاینده اقتصادی استمرار می‌یابد و آنان مجبورند به اندک بهبودی زندگی خود در مقایسه با زادگاه تن دهند. در این موارد، هرچند مقصد بستر مطلوبی برای بقا نیست، دافعه‌های مبدأ به‌ویژه در زمینه آینده فرزندان چنان زیاد است که آنان مجبور به ماندگاری برای داشتن حداقل‌های معیشتی با وجود رانده‌شدن به حاشیه‌ها می‌شوند (Zahedi & Soleimani, 2023; Akbari et al., 2020)؛ چنان‌که در پژوهش اسفندیاری و همکاران (۱۳۹۸) و بلانشه و بیسواس (۲۰۲۱)، مهاجرت داخلی، یک راهبرد مهم معیشتی برای گروه‌های فرودست جامعه به‌شمار می‌آید. میرحسینی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود از آسیب‌های حاشیه‌نشینی برای دختران و زنان خبر می‌دهند.

گیدنز مسئله‌ای را با عنوان تغییر گرایش‌های دینداری سنتی و بازاندیشی دین برای هم‌زیستی با مدرنیته مطرح می‌کند (Giddens, 1999). در روند ذکرشده هرچند پررنگ‌شدن بعد مادی زیستی و تعریف جدید از مطلوبیت، زنان را به مهاجرت و ماندگاری در مقصد تشویق می‌کند، در سراسر مسیر از هنگام تصمیم برای مهاجرت به منطقه‌ای ناآشنا، بریدن از تمام تعلقات در زادگاه و تحمل رنج‌های زندگی در شهر جدید، تنش‌های فراوان روانی و به‌تبع آن جسمی را برای آنان به دنبال دارد. مسیر پیش‌رو نه‌تنها زنان را وادار به اتخاذ روش عقلانی نظیر همانندگردی با جامعه میزبان

(Bourhis et al., 1993) در جهت یافتن امنیت و بهره‌مندی بیشتر، خودباوری و ایستادگی در برابر مشکلات، پیوندجویی مناسب اجتماعی، توسعه فردی به کمک تحصیل و اشتغال، پنهان‌نگه‌داشتن تأهل و... برای دستیابی به بقا می‌کند، بلکه در جهت افزایش تاب‌آوری، آنان نیاز دارند با اتکا به پشتوانه معنوی، در جهت پذیرش و سازگاری بیشتر، آسیب‌های روانی حاصل از مهاجرت را کاهش دهند. معنویتی که از حالت صرف پذیرش سنتی به دلیل ناسازگاری با زندگی به دلیل تقبیح مادیات و از حالت تقدیرگرایی محض بیرون می‌آید و با اصلاحات نگرشی در جهت افزایش تلاش برای دستیابی به زندگی بهتر در بعد مادی به کار گرفته می‌شود و از این طریق به پشتوانه‌ای قوی برای دستیابی به بقا می‌رسند (Swinton & Pattison, 2001; Hartz, 2008). باورهای معنوی در شرایط سخت زندگی و ناتوانی اقتصادی با افزایش توان روحی زنان و ایجاد امید برای بهبود شرایط زندگی، به مانعی بر سر راه بسیاری از ناهنجاری‌ها تبدیل می‌شود. در واقع به نظر می‌رسد زنان مهاجر برای پایداری در مسیر مهاجرت و ماندگاری، به تنیدگی اعتقاد و تلاش نیازمندند. یافته‌های افیونی و قاسمی (۱۳۹۸) در اتخاذ زیست مهاجرتی از سوی زنان با پژوهش حاضر همسو است. بررسی‌های فرزادمنش و بشیر (۱۴۰۱) و گیان و همکاران (۲۰۲۳) نداشتن همانندی ظاهری، زبانی و مذهب و فرهنگی را از موانع ادغام و حاشیه‌نشینی معرفی می‌کنند. مک‌اینرنی و همکاران (۲۰۲۲) تاب‌آوری در مقصد را تا حد زیادی وابسته به ماهیت عوامل مهاجرت و توانایی مهاجر می‌دانند.

۶. نتیجه‌گیری

در دنیای واقعی به دلیل پیوند بقا به مادیات، انسان‌ها مجبور به اتخاذ راهبردهای عقلانی برای تضمین و تسهیل آن هستند؛ بنابراین دافعه‌های روزافزون مبدأ نظیر تغییرات نگرشی دختران و زنان نسل جدید متضاد با پیشینیان خود به‌ویژه مادران در عدم پذیرش تقدیر و خطاهای سیاسی به صورت توزیع نابرابر منابع در کشور و رهاشدن برخی بسترها از سوی دولت به‌عنوان شرایطی که بقا را تهدید و دستیابی به زندگی مطلوب را غیرممکن می‌سازد، زنان را وادار به اتخاذ شیوه عقلانی و درنهایت مهاجرت برای بقای خود و فرزندانشان می‌کند. از سوی دیگر زنان با کنش عقلانی صرف، نظیر تقدیرگرایی صرف پیشینیان خود، قادر به تحمل شرایط سخت مهاجرت نظیر دل‌کندن از دلبستگی‌های خود در زادگاه، فائق‌آمدن بر ترس از مهاجرت و هراس‌های زندگی در شهر جدید نیستند. هرچند در این مسیر هنوز زیست مادی، ترغیب‌کننده اصلی محسوب می‌شود، معنویت در زنان مهاجر با کارکرد امیدزایی و التیام‌بخشی، آسیب‌های روانی حاصل از این تغییر بزرگ را کاهش و سازگاری زنان مهاجر را افزایش می‌دهد و پشتوانه‌ای برای ایستادگی و تلاش آنان برای تضمین و

تسهیل بقا است. به عبارت دیگر، با وجود نیاز زندگی واقعی به کنش عقلانی، معنویت در لایه‌های پنهانی وجود زنان مهاجر، با افزایش توان روحی آنان به کمک عقلانیت می‌آید تا با افزایش تاب‌آوری، امید را در آنان زنده نگه دارد و آنان را قادر سازد تا شرایط سخت مهاجرت و زندگی در شهر جدید را با وجود عدم مطلوبیت به‌خاطر آینده فرزندان تحمل کنند.

۷. پیشنهادها

علی‌رغم مهاجرت روزافزون زنان، پژوهش‌ها در این حوزه اندک هستند. ابعاد مختلف مهاجرت زنان، پژوهش‌های وسیع‌تری در بعد کمی و کیفی و به‌ویژه میان‌رشته‌ای می‌طلبد.

۸. تعارض منافع

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول است و در آن هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

- Afyouni, S., & Ghasemi, A. (2019). Analysis of women's lived experience of migration (The study of women's cross-border migration). *Social Sciences*, 26(87), 155-178. https://qjss.atu.ac.ir/article_10941.html
- Akbari, Y., Boochani, M. H., & Mahmoudiani, S. (2020). Reasons and social problems related to migration from the perspective of immigrants in the north persian gulf neighborhood district in Tehran city. *Population Policy Research*, 6(1), 129-157. https://jips.nipr.ac.ir/article_119891.html?lang=en (In Persian)
- Aladdini, P., & Rahimi, M. (2022). Afghan immigrant women in Tehran: lived experiences and access to facilities. *Iranian Anthropological Research*, 12(1), 9-34. https://ijar.ut.ac.ir/article_90942.html?lang=en (In Persian)
- Albrecht, C., Pérez, M. H., & Stitteneder, T. (2021). The integration challenges of female refugees and migrants: where do we stand?, *In CESifo Forum*, 22(2), 39-46.

- Askari-Nodoushan A., Shams Ghafarakh, F., Zandi, L., & Rezaei, M. R. (2019). An overview of the recent immigration trends in Yazd province. *Farhang Yazd*, 1(1), 83-104.
https://fyazd.ricac.ac.ir/article_94217.html?lang=en (In Persian)
- Berry, J. W., & Hou, F. (2017). Acculturation, discrimination and wellbeing among second generation of immigrants in Canada. *International Journal of Intercultural Relations*, 61, 29-39.
<https://doi.org/10.1016/j.ijintrel.2017.08.003>
- Blanchet, T., & Biswas, H. (2021). Migration and Gender in Bangladesh: An Irregular Landscape. *Geneva: ILO*.
- Bourhis, R. Y., Moise, L. C., Perreault, S., & Senécal, S. (1997). Towards an interactive acculturation model: a social psychological approach. *International Journal of Psychology*, 32, 369-386.
<https://doi.org/10.1080/002075997400629>
- Castles, S., Miller, M. J., & Ammendola, G. (2005). *The age of migration: International population movements in the modern world*. New York: The Guilford Press.
- Chant, S., & Radcliffe, S. A. (1992). Migration and development: the importance of gender. *Gender and Migration in Developing Countries*, 1-29.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research (3rd ed.): Techniques and procedures for developing grounded theory*. Sage Publications.
- Esfandiari, S., Dehghani Dashtabi, M., Nabieyan, S., & Mirzaei Khalilabadi, H. (2020). Study of causal relationship between poverty and migration from rural to urban areas in Iran. *Village and Development*, 22(4), 71-89.
http://rvt.agri-peri.ac.ir/article_121207.html?lang=en (In Persian)
- Esmaili, A. A., & Begdeli Rad, V. (2017). Investigation of the factors affecting migration from the village to the city in Takestan city. *The 4th National Conference on Architecture and Urban Planning "Sustainability and Resilience from Ideal to Reality"*. Qazvin. <https://civilica.com/doc/632189/> (In Persian)
- Esmaili, N., & Mahmoudian, H. (2017). Determinants in the women's migration to Hamedan. *Two Quarterly Journal of Contemporary Sociological Research*, 6(10), 61-83.
https://csr.basu.ac.ir/article_1991.html?lang=en (In Persian)

- Esmaeli, N., & Mahmoodian, H. (2016). A study on factors influencing educational and occupational migration of Iranian young women during 2006-2011. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 15(34), 113-128. https://fasname.msy.gov.ir/article_183.html?lang=en (In Persian)
- Farzadmanesh, Sh., & Bashir, H. (2022). Typology of identity integration of Afghan ethnic groups in the Islamic Republic of Iran (case study: Damavand city). *Scientific Quarterly of Intercultural Studies*, 17(50), 9-40. https://icsq.journals.iau.ir/article_691521.html?lang=en (In Persian)
- Fleury, A. (2016). *Understanding women and migration: A literature review*. Washington, DC, 55.
- Giddens, A. (1999). *The Consequences of Modernity*. Translated by: Mohsen Salasi. Tehran: Markaz.
- Gouws, A. (2010). The feminisation of migration. *Africa Insight*, 40(1), 169-180.
- Gyan, C., Chireh, B., Chuks-Eboka, N., & Yeboah, A. S. (2023). Reconsidering the conceptualization of resilience: the experiences of refugee and immigrant youth in Montreal. *Applied Research in Quality of Life*, 1-25. <https://doi.org/10.1007/s11482-023-10154-3>
- Ha Noi (2021). Domestic migration among ethnic minority women. *A Situation Analysis*, 1-110.
- Hartz, G. (2008). *Spirituality and mental health: clinical applications*. Translated by: A. Kamgar & I. Jafari. Tehran: Ravan. (In Persian)
- Jolly, S., Reeves, H., & Piper, N. (2005). Gender and migration: Overview report. *Trabajo y empleo*.
- Khaje Nouri, B., & Sharifi, A. (2022). An overview of the contexts, types and consequences of women's international migration. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 13(49), 53-74. https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_5139.html?lang=en (In Persian)
- Lattof, S. R., Coast, E., Leone, T., & Nyarko, P. (2018). Contemporary female migration in Ghana: Analyses of the 2000 and 2010 Censuses. *Demographic Research*, 39, 1181-1226. <https://www.demographic-research.org/volumes/vol39/44/39-44.pdf>
- Lee, E. S. (1966). A theory of migration. *Demography*, 3, 47-57. <https://doi.org/10.2307/2060063>

- Lincoln, A. K., Cardeli, E., Sideridis, G., Salhi, C., Miller, A. B., Da Fonseca, T., ... & Ellis, B. H. (2021). Discrimination, marginalization, belonging, and mental health among Somali immigrants in North America. *American Journal of Orthopsychiatry*, 91(2), 280.
<https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC8606194/pdf/nihms-1729498.pdf>
- Mahmoudiani, S. (2018). *Study on the situation of internal migration and urbanization in Iran with an emphasis on the period 2011-2016*. United Nations Population Fund, School of Social Sciences, University of Tehran. (In Persian)
- Mahmoudiani, S., & Mahmoudian, H. (2018). Contexts of Propose of Family migration by Migrant women living in Tehran province. *Journal of Population Association of Iran*, 13(25), 9-32.
https://www.jpaiassoc.ir/article_36221.html?lang=en (In Persian)
- Martinet, É. H. G., & Damásio, B. F. (2021). Relationships between Cultural Adaptation and Immigrants' Well-Being. *Psico-USF*, 26, 467-481.
- Massey, D. S., Arango, J., Hugo, G., Kouaouci, A., Pellegrino, A., & Taylor, J. E. (1993). Theories of international migration: A review and appraisal. *Population and Development Review*, 431-466.
<https://doi.org/10.2307/2938462>
- McInerney, E., Saxon, J., & Ashley, L. (2022). Migration as a Climate Adaptation Strategy Challenges & Opportunities for USAID Programming. 1-32.
- Mirhosseini, Z., Boorboor, Z., Samsami, M., Ahmadi, N., & Akhtari, Z. (2020). Challenges of daily life of marginalized women in Tehran, a qualitative study. *Women's Strategic Studies*, 23(89), 1-36.
https://www.jwss.ir/article_119685.html?lang=en (In Persian)
- Mushfiq, M., & Khazaei, M. (2015). An analysis of the characteristics and determinants of women's independent migration in Iran. *Women's Strategic Studies*, 17(67), 85-124. https://www.jwss.ir/article_12429.html (In Persian)
- Nouri, S., Hallajzadeh, H., & Shenava, M. (2019). Investigating Cultural Adaptation of Immigrants Case Study: Azeri Immigrants in Rasht. *Strategic Research on Social Problems in Iran*, 7(4), 93-108.
https://ssoss.ui.ac.ir/article_24061.html?lang=en

- Ortiz, V. (1996). Migration and marriage among Puerto Rican women. *International Migration Review*, 30(2), 460-484.
<https://www.jstor.org/stable/2547390>
- Paiewonsky, D., & Penson, C. N., & Santo Domingo, A. (2009). *The United Nations International Research and Training Institute for the Advancement*.
- Parrado, E. A., & Flippen, C. A. (2005). Migration and gender among Mexican women. *American Sociological Review*, 70(4), 606-632.
- Radowicz, J. (2021). Searching for the Best Way of Integration. Migrant Women in Europe. *Studia Europejskie – Studies in European Affairs*, 3/2021. <https://journalse.com/searching-for-the-best-way-of-integration-migrant-women-in-europe/>
- Raheshakhor, M., Rafiyan, M., & Amini, E. (2011). Examining the role of social and cultural factors on the migration of Iranian students abroad (Case example: Petah University of Medical Sciences, Pecs, Hungary). *Social Research*, 5(16), 73-92. (In Persian)
- Ranis, G., & Fei, J. C. H. (1961). A Theory of Economic Development. *American Economy Review*, 51(4), 533-565.
- Sadeghi, R., & Shokryani, M. (2016). Spatial analysis of the development impact on internal migration -between counties- in Iran. *Community Development (Rural and Urban Communities)*, 8(2), 245-270.
https://jrd.ut.ac.ir/article_63067.html?lang=en (In Persian)
- Sadeghi, S., & Valadvand, L. (2015). Gender and Migration: A Sociological Analysis of Gender Differentials in Internal Migration in Iran. *Journal of Contemporary Sociological Research*, 4(7), 55-78.
https://csr.basu.ac.ir/article_1561.html?lang=en (In Persian)
- Sadeghi, R. (2022). Unemployment, uneven regional development and spatial patterns of internal migration in Iran. *Research on Iran's Social Issues*, 1(3), 41-65. <https://rimag.ricest.ac.ir/Article/38107/FullText> (In Persian)
- Safarian, M., & Moradi, A. (2022). Factors related to the social and cultural adaptation of immigrants in urban environments have been researched using the meta-analysis method. *Urban Sociological Studies*, 12(43), 65-98. <https://doi:%2010.30495/uss.2022.695113> (In Persian)
- Schieckoff, B., & Sprengholz, M. (2021). The labor market integration of immigrant women in Europe: Context, theory, and evidence. *SN Social Sciences*, 1(11), 276. <https://doi.org/10.1007/s43545-021-00279-3>

- Seifi, A. (2017). The Causes and the Consequences of the Feminization of International Migration in the Light of Human Security with an Emphasis on International Law: Challenges and Solutions. *Women Studies*, 8(19), 85-120. https://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_2662.htm (In Persian)
- Shahbazin, S., Askari-Nodoushan, A., & Abbasi-Shavazi, M. J. (2018). The Impact of Internal Migration on the Population Redistribution in Iran: The Period of 1991-2016. *Journal of Population Association of Iran*, 13(25), 33-66. https://www.jpaiassoc.ir/article_36222.html?lang=en (In Persian)
- Shahbazin, S., Sadeghi, R., & Rezaei, M. (2021). Internal Migration Research in Iran: A Scoping Review. *Journal of Population Association of Iran*, 16(31), 343-373. https://www.jpaiassoc.ir/article_250848.html?lang=en
- Swinton, J., & Pattison, S. (2001). Spirituality. Come all ye faithful. *The Health Service Journal*, 111(5786), 24-25.
- Tittensor, D., & Mansouri, F. (2017). The feminisation of migration? A critical overview. *The Politics of Women and Migration in the Global South*, 11-25. https://doi.org/10.1057/978-1-137-58799-2_2
- Todaro, M. P. (1976). *Internal migration in developing countries. A review of theory, evidence, methodology and research priorities* (pp. vi+-106pp).
- UNDESA. (2013). *International Migration Report 2013*.
- United Nation (2013). *World Migration in Figures. a joint contribution by UN-DESA and the OECD to the United Nations High Level Dialogue on Migration and Development*.
- United Nations Population Division (2022). *World Migrant Stock: The 2022 Revision Population Database*. 1-4.
- Zahedi A., & Soleimani, N. (2023). Analytical-descriptive reading on the reasons for immigration and its effect on the increase in crime; A case study of immigration to America. *New Researches in Islamic Humanities Studies*, 2(3), 1-18. https://api.lu.ac.ir/article_705937.html (In Persian)
- Zare Mehrjardi, R., Fouladiyan, M., Hassani Darmian, G., & Ghasemi Ardahaee, A. (2022). Qualitative study of women's independent migration processes to Tehran city (Case study of migrant women of Yazd Province). *Journal of Population Association of Iran*, 17(33), 269-306. https://www.jpaiassoc.ir/article_701020.html?lang=en (In Persian)